

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینۀ ایران

شباهنگ راد

۱۱ اکتوبر ۲۰۱۵

بیکاری و بیکارسازی در نظام جمهوری اسلامی ایران

یکی از برآمده‌های دولت "تدبیر و امید" روحانی، به‌مانند دولت‌های پیشین نظام جمهوری اسلامی، در بیکارسازی و در عدم پرداخت حقوق‌های ناچیز کارگران می‌باشد. نزدیک به ۶ میلیون بیکار و همچنین عدم پرداخت حقوق معوقه چندین ماهه و سالانه کارگران ایران را می‌توان به‌عنوان، و به‌یکای از "محسنات" دولت کنونی برشمارد. البته توضیح دقیق زندگی و حکایت فارغ‌التحصیلان ایران و کارگران، کار آسانی نیست. چرا که کمتر از نیمی از حقایق اوضاع مشقت‌بار کاری، توسط ارتباطات جمعی به بیرون درز می‌کند، طبیعتاً در برگیرنده تمامی واقعیات نیست.

حق مسلم، جدا از پی‌آمدهای ناگوار اقتصادی، بر زندگی مردم، بیکاری و بیکارسازی‌ها هم، بر ناهنجاری‌های رفتاری - اجتماعی درون جامعه افزوده است. وجود صدها معضل و بلای اجتماعی و از جمله طلاق‌های بی‌وقفه و روزانه، ورود هزاران کودک به عرصه کاری، گسترش اعتیاد و قاچاق، تنش‌های متفاوت و همچنین درگیری‌های گشوده و خودکشی و آن‌هم به دلیل نداری، خط فقر ۲۵ میلیونی و زیر و رو نمودن فرهنگ و ارزش‌های انسانی و غیره، از زمره موضوعات و در حقیقت، از جمله تأثیراتی‌ست که سردمداران رژیم جمهوری اسلامی، بر فضای جامعه ایران حاکم گردانده‌اند. موقعیت کاری آن‌چنان وخیم و درب و داغان است که صدای خودی‌ها و همچنین نهادهای وابسته به نظام را هم در آورده است. در چنین چهارچوبه‌ای و اخیراً، وزارت کار اعلام نموده است که: "۱۰ میلیون و ۳۶۰ هزار نفر از جمعیت روستائی کشور، از نظر اقتصادی غیر فعال و در واقع دچار بیکاری هستند و ۹۰۰ هزار نفر نیز دارای درآمد بدون کار هستند".

تردیدی در آن نیست که تداوم چنین روندی چیزی جز، گسترده‌گی فقر و صدها معضل اجتماعی دیگر، نخواهد بود، پُر واضح است که مسبب و بانی اصلی این وضعیت، نظام جمهوری اسلامی و دولت‌های متبوعش می‌باشند؛ دولت‌هایی که در هر دوره و آن‌هم با وعده و وعیدهای گوناگون، نقش سوپاپ اطمینان سیستم و مناسبات سرمایه‌داری را ایفاء نموده‌اند و هدفشان، دوام بیش از این نظام و همچنین سودبری هر چه بیشتر طبقه سرمایه‌دار است. به عبارتی گویاتر، این خاصیت دولت‌های وابسته به سرمایه است و از جمله، دولت "تدبیر و امید" روحانی‌ست؛ دولتی که قرار بود از آلام و درد و رنج‌های مردم بکاهد؛ قرار بود فضای آزادی و قانون‌مداری را جای‌گزین فضای رعب و وحشت و محترم شمردن به حقوق پایه‌ی مردمی نماید! اما و در عمل، "آزاد"ی‌ها را محدودتر، اعدام‌ها را وسیع‌تر و بیکاری‌ها را گسترده‌تر و عدم پرداخت دست‌مزدهای ناچیز کارگران را پیگیرانه‌تر تداوم بخشید. روشن شده است که در سیاست اخراج کارگران همچنان باز و کارفرمایان، همگام و با همیاری دولت‌های وابسته، کارگران بیش‌تری را از کار، بیکار می‌سازند.

اخراج ۳۰ کارگر "سدید ریخته‌گر" و عدم پرداخت حقوق معوقه‌شان توسط کارفرما؛ بیکارسازی ۴۰ و ۵۰ کارگر واحد صنعتی شرق سمنان "پارمیدا" و "غرب استیل"؛ عدم پرداخت ۳ ماهه حقوق کارگران "ساختمان و نصب" آبادان؛ تعویق ۳ ماهه دست‌مزد ۷۰ کارگر "بسا پارس صنعت"؛ اعتراض کارگران "معدن زمستان یورت" نسبت به تعویق حقوق ۷.۵ ماهه خود و پاسخ وقیحانه مدیران پیمانکار مبنی بر این‌که "منابع مالی کافی برای پرداخت حقوق کارگران را ندارند"؛ اخراج ۲۰ کارگر "نوآوران ابری" و ۱۰۶ کارگر "کار جدید مبتکران و شیشه آبگینه"؛ اعتصاب کارگران "فولاد و چدن" در اعتراض به عدم حقوق معوقه ۳ ماهه‌شان و همچنین عدم پرداخت ۱۱ ماهه حقوق کارگران شرکت حفاری "سپنتا بین‌الملل" توسط کارفرمایان؛ عدم حقوق ۸ ماهه بیش از ۱۰۰ کارگر ریخته‌گر و اخراج ۱۸۶ کارگر "کمباین سازی اراک" و غیره، حکایت از آن دارد که جامعه و سیستم حاکم بر آن، نه تنها به فکر کارگران و دردمندان نیست، بلکه با پیگیری سیاست‌های ضد کارگری‌اش، عرصه زندگی را بر میلیون‌ها انسان محروم، تنگ و تنگتر می‌نماید.

حقیقتاً که اعداد و ارقام بیکاری و بیکارسازی، تعطیلی کارخانه‌ها و به تبع آن‌ها، عدم پرداخت حقوق ناچیز کارگران از جانب سرمایه‌داران و دولت‌های حامی‌شان، بی‌معنا و عادی شده است. سرمایه‌داران حقوق چندین ماهه کارگران را نمی‌پردازند و با وقاحت، و با بی‌شرمی تمام اعلام می‌نمایند که صاحبان کارخانه و کارفرمایان، توان پرداخت حقوق کارگران را ندارند. این چه نظام و دم و دستگاهی‌ست که ماشین و دم و دستگاه‌های تولیدی‌اش، به تولید ادامه می‌دهد و وارد بازار می‌کند و در عوض، قادر به پرداخت دست‌مزد تولیدکنندگان آن نمی‌باشند؛ این چه "دولت تدبیر و امید"ی‌ست که جانب کارفرما و سرمایه‌دار را می‌گیرد و به سرکوب و به آزار و اذیت کارگران و قربانیان نظام امپریالیستی می‌پردازد. دریافته شده است که دولت‌های متفاوت نظام، با هر ادعا و با هر رنگ و لباسی، و با هر گونه شعار و گفتمانی، در خدمت به سودبری هر چه بیشتر طبقه سرمایه‌داری، و در خدمت به تخریب زندگانی سازندگان جوامع بشری‌ست؛ دریافته شده است که در چنین نظام‌هایی استفاده از ناتوانی‌ها، هم‌تراز با چرخش بهتر طبقه سرمایه‌داری‌ست و بیهوده هم نیست که «غلامرضا عباسی، رئیس کانون عالی انجمن‌های صنعتی کارگران ایران» ارزیابی خود از بازار کار می‌گوید: "... با هزار مکافات و در نهایت بی‌بضاعتی به دانشگاه می‌روند و درس می‌خوانند، اما پس از فارغ شدن از تحصیل برای رشته آن‌ها در بازار کاری نیست. آن وقت ناچار می‌شوند که با حداقل مزد، تن به کار دهند. اشکال کار این‌جاست که هیچ‌گونه هماهنگی بین دولت و دانشگاه نیست. باید مطابق با نیاز سنجی در بازار، نیروی انسانی در دانشگاه تربیت شود. ضمن این‌که همه چیز در ایران با رابطه جلو می‌رود؛ در بسیاری از ادارات و سازمان‌ها، افرادی جذب شده‌اند که رشته تحصیلی مرتبط با کار ندارند، مثلاً بررسی کنید در همین وزارت نفت، رشته تخصصی چند نفر، نفت است".

براستی که تجلی ادعاها و سیاست‌های مردمی و "عدالت‌خواهانه"ی دولت روحانی را می‌توان در جمله «غلامرضا عباسی» یافت و پی بُرد که سرمایه، هدف و مقصودش، نه رشد و بالندگی جامعه و جوانان، بلکه انتخاب عناصر نالایق به‌منظور پیش‌بُرد روان‌تر دستگاه‌های سود دهی طبقه سرمایه‌داری‌ست. علاوه بر این‌ها این‌دست گفته‌ها، با عریانی تمام ماهیت دولت‌های وابسته به نظام‌های امپریالیستی را به‌نمایش می‌گذارد و پیداست که آنچه مینا و ملاک سرمایه‌داران می‌باشد، نه تخصص و مدارک عالی، بلکه تملق‌گویی و وابستگی عملی افراد به بالائی‌هاست. حقیقتاً که در چنین مناسباتی فاصله‌ها، تبعیضات و بی‌لیاقتی‌ها و آن‌هم در ابعادی گسترده عمل‌کرد - داشته و - دارد و متأسفانه، هزاران جوان تحصیل‌کرده، مجبوراند به‌منظور کسب و کار و کاسبی و برای تهیه لقمه نانی، مدارک عالی خود را پنهان نمایند. به عنوان نمونه، «عبدالله وطن‌خواه» از نمایندگان تشکل کارگری می‌گوید: "کار به جایی رسیده که هم‌اکنون

لیسانسیه‌ها برای استخدام به‌عنوان آبدارچی و نظافت‌چی در سازمان‌ها و شرکت‌ها پیش‌قدم شده‌اند. چندی پیش با افراد تحصیل کرده‌ای برخورد کردم که فرم استخدام آبدارچی را پُر کردند و آن‌هم با حقوق کمتر از ۸۰۰ هزار تومان ... در تداوم چنین اوضاع دردناکی «علی‌رضا حیدری» از اعضای پیشکسوتان تشکل کارگری از ازیاد کارگران نظافت‌چی در بازار ایران با تحصیلات آکادمیک خبر می‌دهد و می‌گوید: "چندی پیش با افراد تحصیل کرده‌ای مواجه شدم که با تحصیلات آکادمیک تی‌کشی می‌کردند. با وجود آن‌که تمامی سازمان‌ها، شرکت‌ها، طبقه‌بندی مشاغل دارند، حتی مدرک لیسانس و فوق لیسانس خود را از سازمانی که در آن مشغول کار هستند، پنهان می‌کنند تا همین شغل تی‌کشی روی زمین را هم حفظ کنند؛ آن‌قدر وضع بازار کار ایران خراب است که عده‌ای در این شهر مدرک تحصیلی خود را از ترس این‌که شغل خود را از دست بدهند، به سازمان‌ها ارائه نمی‌دهند و حتی خود را زیر دیپلم معرفی می‌کنند".

پنهان نمودن مدرک حقیقی تحصیلی، تن دادن به کارهای کاذب، انتخاب کار با دست‌مزدهای پائین و امثالهم از زمره معضلاتی‌ست که دولت‌مردان ایران برای میلیون‌ها انسان و فارغ‌التحصیلان ساخته‌اند. آری این سیاست روشن و ناعادلانه‌ای است که دولت‌هائی همچون دولت "اعتدال" روحانی مدافع آن می‌باشند و مسلم است که اجراء و تداوم بی‌عدالتی‌ها و نابرابری‌ها در سر لوحه این‌گونه نظام‌ها قرار داشته و خواهد داشت و بدون کمترین شک و تردیدی، سهم و بخش زنان، در این دست موارد، بیش از مردان می‌باشد.

در این زمینه «علی ربیعی» وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی می‌گوید: "نرخ بیکاری زنان دو برابر مردان می‌باشد" و ادامه می‌دهد که بر "اساس آمار، حدود ۵ میلیون و ۲۵۰ هزار نفر از زنانی که بین ۱۵ تا ۲۹ سال دارند، بیکار هستند. تعداد بیکاران در همین رده سنی جوانان به ۱ میلیون و ۳۴ هزار نفر می‌رسد. و همچنین مرکز آمار در گزارش بهار سال ۱۳۹۴ نرخ بیکاری مردان را ۹ درصد و نرخ بیکاری زنان را ۱۹/۰۲ درصد اعلام کرد".

البته ناگفته نماند که ارائه این‌گونه آمار و ارقام دست و دم‌زیده، منعکس‌کننده همه حقایق اوضاع کاری جامعه ایران نمی‌باشد، بلکه، در بر گیرنده بخش کوچکی از آن‌هاست. ستم کاری، بی‌حقوقی و ستم جنسی در ایران به اوج خود رسیده است و به تجربه دریافته شده است که در زیر سلطه نظام‌های سرمایه‌داری، کار و تحمل هزاران درد و رنج، از آن کارگران و نیروی جوان است، سهم‌بری سود و درآمدها، از آن کارفرمایان و صاحبان تولیدی. با این اوصاف ورود به چنین مناسبات و گردونه‌ای، خواست کارگران و جویندگان کار نیست. این خواست و برنامه بالائی‌هاست و به درد هیچ‌یک از سازندگان اصلی جوامع بشری نمی‌خورد. بنابراین تغییر اوضاع افسبار کاری و زندگی میلیون‌ها انسان محروم، مترادف با حاکمیت بیش از این دولت‌های وابسته به سرمایه نیست. چرا که افکار و اعمال طبقه سرمایه‌داری، در استثمار و حشبانه و در تداوم تبعیض جنسیتی و در چپاول اموال عمومی پی ریخته شده است و تا مادامی‌که، این دولت‌ها و طبقه سرمایه‌داری بر سر کارند، اوضاع کاری وخیم‌تر و زندگی سراسر درد و رنج خانواده‌ها پاشیده‌تر، و ارزش‌های انسانی لگدمال‌تر خواهد شد. تنها در نظام‌های حامی توده‌های ستم‌دیده است که می‌توان، تصویری از رفع نابرابری‌ها و بی‌عدالتی‌ها داشت؛ نظامی که سیاست و منش کارگری بر آن حاکم می‌باشد و همه هم و غمش، بالندگی، رشد و شکوفائی جامعه است. این آن نظام و جامعه‌ای‌ست که قربانیان نظام‌های امپریالیستی خواهان آنند.

۱۰ اکتوبر ۲۰۱۸

۱۸ مهر [میزان] ۱۳۹۴